

نرخ مشارکت و موقعیت میانه‌روها

با نگاهی به انتخابات ادوار گذشته مجلس در تهران و کل کشور



مسعود سالاری
تحلیلگر مسائل سیاسی

نرخ مشارکت در انتخابات مجلس در کل کشور و تهران در ادوار مختلف مجلس به شرح زیر بوده است:

دوره اول	کل	تهران
دوره دوم	۶۴٪	۷۴٪
دوره سوم	۵۹٪	۳۳٪
دوره چهارم	۵۷٪	۳۹٪
دوره پنجم	۷۱٪	۵۵٪
دوره ششم	۶۹٪	۴۴٪
دوره هفتم	۵۹٪	۳۳٪
دوره هشتم	۵۱٪	۳۰٪
دوره نهم	۶۴٪	۴۸٪
دوره دهم	۶۲٪	۵۰٪
دوره یازدهم	۴۲٪	۳۶٪

(منبع: کتاب بازیگران و بازیگردانان مجلس)

نمودار مقایسه‌ای دو نرخ مشارکت در کل کشور و تهران در زیر نمایش داده شده است.

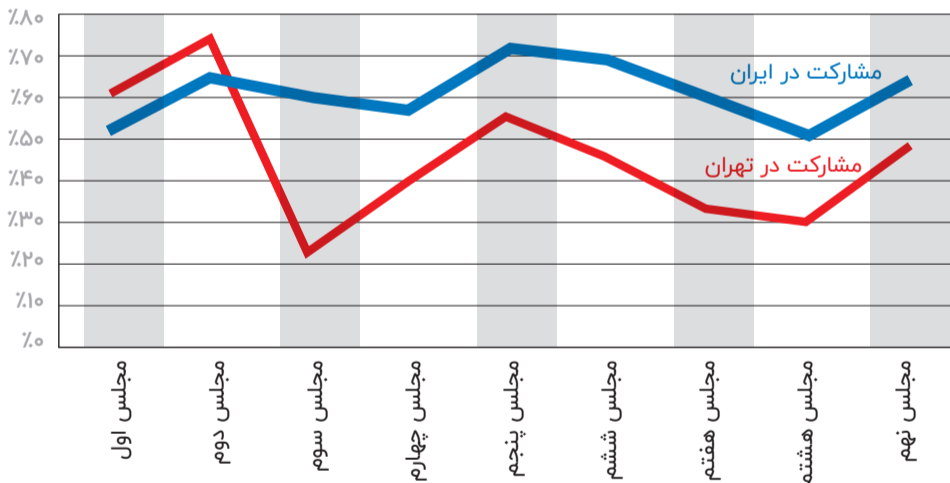
نکاتی که در مورد انتخابات و مشارکت و روند تغییرات نرخ مشارکت انتخابات مجلس با توجه به آمار فوق می‌توان بیان کرد:

۱ روند نرخ مشارکت طی یازده دوره مجلس و پیمایش روند نرخ مشارکت تهران و مقایسه آن با نرخ مشارکت در کل کشور نشان می‌دهد نرخ میزان مشارکت در تهران فقط در دوره اول و دوم بیشتر از میزان نرخ مشارکت در کل کشور بوده است. ولی در تمامی ادوار بعدی نرخ میزان مشارکت در تهران سیر نزولی و نرخ میزان مشارکت در کل کشور سیر صعودی دارد. به نظر می‌آید در این تغییر جهت روند کاهش برای تهران، حالت انفجالی روبه‌تزیاید و روند افزایشی در کل کشور که شامل معدل جمع مشارکت همه شهرهای کشور است، حالت هیجانی افزایشی مؤثر بوده است. برای روند انفجالی تهران دو عامل عدم همبستگی اجتماعی و تأثیرپذیری از فراخوان‌های عدم مشارکت (آگاهانه یا ناآگاهانه، عمدی یا سهوی) متأثر از درصاحت‌ها و در دیگر شهرها به استثنای یکی دو مرکز استانی عامل هیجانی تأثیر یافته از همبستگی اجتماعی از نوع قومی-قبیله‌ای که چه‌بسا دامن هم زده می‌شود، تأثیر دارد و فراخوان‌های عدم مشارکت تأثیری بر رفتار انتخاباتی در شهرستان‌ها ندارد.

۲ کمترین میزان مشارکت در کل کشور ۴۲ درصد مجلس یازدهم (مجلس فعلی) و کمترین میزان مشارکت در تهران ۲۳ درصد مجلس سوم بوده است. کمترین میزان مشارکت در تهران بعد از مجلس سوم به ترتیب پایین‌ترین نرخ، به مجلس یازدهم با ۲۶ درصد، مجلس هشتم با ۳۰ درصد و مجلس هفتم با ۳۲ درصد اختصاص دارد. نکته قابل توجه این است که سردی فضای انتخاباتی و کاهش مشارکت، مخصوص این دوره از انتخابات نیست و فکر نکنیم حتماً این سردی فضای انتخاباتی عامل و ابزاری برای رخدادی بزرگ خواهد بود.

۳ به آنهایی که امروز عدم تمایل مردم به مشارکت را مستمسک قرار می‌دهند و به این دلیل صحبت از عدم مشارکت و تحریم می‌کنند و تصور می‌کنند که کاهش مشارکت، ارسال سیگنال عدم رضایت و اعتراض به حکومت است، باید یادآور شد که میزان مشارکت پائین، به طوری که روند مشارکت در انتخابات ادوار گذشته نشان می‌دهد مکرر اتفاق افتاده است. اگر قرار بود ارسال سیگنال عدم رضایت و اعتراض از این طریق مؤثر افتد و یا به‌زعم آنان، مشروعیت‌زدا شود که در اثر این مشروعیت‌زدایی اتفاق مثبتی رخ دهد و در آن طرف قضیه، جامعه تغییر خواه قوی‌تر و انسجام‌بخش شود، چرا چنین نشده است؟ آیا چنین دید و نظری بی‌توجه به سیر تاریخی رویدادها، احساسی و از سر لیج‌ناشی از خشم و نفرت و مطلوب‌خواهی دور از عقلانیت و بی‌تدبیری مبتنی بر بی‌توجهی به درس‌نگرفتن از رویدادهای تاریخی نیست؟ آنچه که با توجه به این روند و اطلاعات تاریخی می‌شود گفت، این است که اثر عدم مشارکت‌ها، روند تکاملی قوام و دوام و انسجام اقتدارگرایی و پیشبرد پروژه خالص‌سازی را رقم زده است تا اقتدار جامعه مدنی را. آیا این فراز و فرودها نشانه یک تقابل زیرپوستی جامعه و اقتدارگرایی در زمین بازی که با شیوه‌های پسا حقیقتی طراحی می‌کند و نیروهای مقابل را به منتها الیه طیف مقابل قرار می‌دهد، نیست؟

و این تقابل و نبرد را چگونه که دلش می‌خواهد به نفع خود با ایجاد فاصله و حول دادن نیروهای سیاسی به منتها الیه تقابل یا حذف یا نادیده گرفتن میانه‌روها برای بستن راه هر گونه تعامل و گفت‌وگو در داخل قدرت، در هر مرحله به پیش نبرده است؟ می‌توان مهمترین علت عدم مشارکت‌ها در هر بار حذف چهره‌های مورد انتظار جامعه و عدم توجه و اطمینان به نیروهای میانه، برای برهم زدن بازی طراحی شده، به‌ویژه در تهران دانست. ایضا همین روند تغییرات و کشمکش‌ها در مورد انتخابات ریاست جمهوری هم مطابق اطلاعات موجود، مصداق دارد. جالب‌تر اینکه نیروهای مدعی توسعه‌گرایی و ملی چنان دچار فراموشی تاریخی شده‌اند که درصاحت‌ها و کشمکش‌های گذشته را فراموش کرده‌اند که انگار بار اول است چنین پدیده‌ای رخ می‌دهد که این‌بار، خودشان خودشان را درصاحت کردند و اصلاً نامزدی برای ثبت‌نام معرفی نکردند. ولی با این حال، اگر انفعال و روخت‌نباشد، می‌شود تشکیل مجلسی را انتظار داشت که وزن و عیار آن، از هر حیث با مجلس فعلی متفاوت در جهت مثبت باشد و حفظ مستمر نیروهای میانه برای کم کردن شکاف جامعه و حاکمیت از طریق اقدامات اصلاحی بهره برد.



ادامه سر مقاله

البته، سعی کردند اجازه دهند که به جای فعالان سیاسی افراد غیرسیاسی به میدان بیایند و از این طریق، مشارکت را افزایش دهند. نتیجه این سیاست نیز نزول فاحش سطح سیاسی انتخابات شده است.

اینها در شرایطی است که وضع اقتصادی مردم همچنان رو به سرانجامی است. طبق گزارش رسمی منتشرشده در شماره امروز «هم‌میهن»، عرضه گوشت در کشور طی ۴۴ ماه اخیر به کمترین میزان خود رسیده است؛ گوشتی که باید نهاده‌های دامی آن به موقع وارد می‌شدند، ولی فساد ۲/۷ میلیارد دلاری جای دیش، اجازه نداد که تخصیص منابع مناسبی صورت گیرد. ضمن اینکه پیش از فساد جای دیش، تخلفات عدیده‌ای در واردات نهاده‌های دامی رخ داده بود و همین مجلس کنونی و دولت در برابر آن سکوت کردند. گوشت یکی از نمادهای مهم مصرف خانوار در ایران است و فقط یک نمونه بود. حالا هم قرار است همین آقایان و خانم‌ها که مسئولیت کامل وضع موجود و تورم بالای ۴۰ درصدی را دارند، دوباره با همان رویکرد بر مسند مجلس نشسته و مثلاً بر کار دولت همسو با خود نظارت کنند. واقعیت این است که در یک روز باقیمانده به انتخابات،

نمی‌توان نظرات مخالفان مشارکت را تغییر داد. برای جلب مشارکت مردم باید از ماه‌ها پیش اقدام می‌شد؛ ولی فرآیند پیش‌ثبت‌نام که مصوب نمایندگان همین مجلس است، و نیز رویکردهای سیاسی اصولگرایان مانع از زمینه‌سازی برای افزایش مشارکت شده است. نگاهی به فعالیت‌های سیاسی جناح اصولگرا در رقابت‌های درونی خودشان و نیز تهیه لیست‌های متعدد و از همه مهمتر، نداشتن هیچ برنامه‌ای برای حل مشکلات مردم نشان داده است که سطح سیاست و سیاست‌ورزی در ایران سقوط آزاد کرده است. این جماعت قادر به تأمین مطالبات مقام رهبری برای افزایش مشارکت نبودند و نیستند و نخواهند بود. دعوت آقایان روحانی و لاریجانی از مردم برای دادن رای اعتراضی نیز به علل گوناگون تحقق‌یافتنی نیست. گرچه به‌طور قطع، آرای سفید و متفرقه در این انتخابات خیلی بیش از انتخابات‌های قبلی خواهد بود که نشانه‌ای از اعتراض جدی حتی میان رای‌دهندگان است، ولی دعوت همه معترضین به دادن رای اعتراضی، مستلزم فرآیندهای تبلیغی جدی و گفت‌وگوی آزاد درباره آن است که در شرایط کنونی امکان‌ناپذیر است.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش
یک

با تاکید بر ضرورت مشارکت گسترده و انتقاد از بی‌التفاتی گروهی در داخل به انتخابات

رهبری: رأی ندادن هیچ مشکلی را حل نمی‌کند

گروه‌های دیکتاتور» بعد از انقلاب‌های بزرگی مانند انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب شوروی سابق افزودند: «امام خمینی (ره) با اعتماد کامل به مردم و اهمیت دادن به صندوق انتخابات، تنها حدود ۵۰ روز پس از پیروزی انقلاب، نوع حکومت را به همه‌پرسی گذاشتند تا ملت به‌عنوان صاحبان کشور و انقلاب، تصمیم‌گیر همه مسائل مهم شوند». ایشان افزودند: «بعد از همه‌پرسی ۱۲ فروردین ۵۸، در همان سال اول انقلاب، چهار انتخابات و همه‌پرسی دیگر هم برگزار شد تا ارکان کشور با خواست و آرای ملت شکل و جهت بگیرد». ایشان با نفی و رد دیدگاهی که «معتقد به شرکت قوی مردم در انتخابات نیست و می‌گوید انتخابات با حضور جمعی برگزار شود و مجلس و دولتی هم روی کار بیایند»، تاکید کردند: «امسا می‌گوییم انتخابات باید پرشور باشد؛ زیرا حضور پرشور مردم، نشانه حضور ملت در صحنه‌های مهم اداره کشور و ثروت بزرگی برای ایران است». رهبری با اشاره به «محسوس شدن نشانه‌های شور و نشاط انتخاباتی در سراسر کشور»، حضور ملت در صحنه را «معجزه‌آفرین» خواندند و با اشاره به «دشمنان خبیثی که چهار چشمی مراقب ایران عزیز و انتخابات روز جمعه هستند»، گفتند: «آمریکا، سیاست‌های اغلب اروپایی‌ها، صهیونیست‌های خبیث، سرمایه‌داران و کمپانی‌های بزرگی که با انگیزه‌ها و به

گروه خبر: مقام معظم رهبری دیروز در دیدار رای اولی‌ها و جمعی از خانواده‌های شهدا، حضور پرشور و قوی ملت» را در انتخابات، «تجلی قدرت ملی، تضمین‌کننده امنیت ملی و مایوس‌کننده دشمنان چشم‌دوخته به ایران» خواندند و با برشمردن ویژگی‌های نامزد اصلاح تاکید کردند: «انتخابات پرشور، زمینه‌ساز رفع مشکلات، پیشرفت ایران و از ارکان اداره صحیح کشور است و هر کسی ایران، جمهوری اسلامی، انقلاب، قدرت ملی و پیشرفت را دوست دارد، روز جمعه به‌پای صندوق رای بیاید». آیت‌الله خامنه‌ای نسل جوان بعد از انقلاب را بسیار بیشتر از جوانان قبل، «اهل تحقیق و استدلال و منطق و راستی‌آزمایی» دانستند و افزودند: «جوانان عزیز بدانند که صندوق واقعی رای و حضور با انگیزه، با شناخت، با توقع و امیدوارانه مردم در انتخابات، آسان به دست نیامده و حاصل مجاهدت‌ها و فداکاری‌های طولانی ملت در مبارزه با استبداد و رژیم طاغوت است». رهبری با اشاره به نوشته‌های برخی عناصر طاغوت درباره «ظاهری بودن انتخابات قبل از انقلاب» گفتند: «همانطور که آن‌ها هم معترف شده‌اند، لیست برندگان انتخابات از قبل در برابر و حتی گاهی در برخی سفارت‌خانه‌های خارجی بسته می‌شد و باید همین لیست از صندوق‌ها درمی‌آمد». آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به «حاکمیت

ادامه از
یک صفحه

تعیین سومین رهبر جمهوری اسلامی خواهد بود و دست‌کم از حیث پیش‌بینی و بالقوه.

خبرگانی که صحبت کرده‌اند غالباً از تعبیر «تعیین» و نه «انتخاب» استفاده می‌کنند هرچند که آیت‌الله مصباح‌یزدی اصطلاح «کشف» را به کار می‌برد و البته نمی‌گفت در این صورت هم مگر جز این است که باز مکانیسم عرفی شمارش آرای نمایندگان که خود براساس شمارش آرا به مجلس راه یافته‌اند این روند طی می‌شود و اختیار عزل یا کشف سازگار نیست.

این اشاره هم ضرورت دارد که نگاه غالب در خبرگان امروز این است که تنها باید بقای صفات را در رهبری رصد کنند و مراد نظارت بر عملکرد شخص رهبر یا نهادهای زیرمجموعه نیست. مجلس خبرگان را شاید بتوان مانند هیئت امنای نظام در نظر گرفت یا حتی هیئت‌مدیره نظام که مدیرعامل انتخاب می‌کند و اختیار عزل او را هم دارد و اشاره صریح به این موضوع چنان که اشاره شد مدعای مصباح‌یزدی را نفی می‌کند چون با تلقی کشف کسی نمی‌تواند رهبر کشف‌شده را برکنار کند.

جدای همه اینها نفی موروثی بودن فارغ از مصداق با روح انقلاب ضدسلطنتی ۱۳۵۷ سازگارتر است کما اینکه رهبر آن انقلاب در سخنرانی ۱۲ بهمن به صراحت گفت: «سلطنت خلاف حقوق بشر است» و یکی از استدلالات و احتجاجاتی است که در نفی سلطنت محمدرضا شاه آورد، این بود که پدران ما حق نداشتند سرنوشت نسل‌های بعد را تعیین کنند.

۶ دلیل دشوار کار خبرگان

در مجموع می‌توان دشواری کار مجلس خبرگان در انتخاب رهبر آینده را به ۶ دلیل دانست:

۱ نظام سیاسی ایران جمهوری اسلامی است و ریاست این جمهوری به لحاظ پروتکلی با رئیس‌جمهوری، کما اینکه استوارنامه سفیران تسلیم او می‌شود و در اجلاس سران در مجمع عمومی سازمان ملل او شرکت می‌کند. پس تنها رئیس قوه اجرایی یا رئیس دولت نیست و اصل ۱۱۳ بر این امر تصریح دارد چندان که تعبیر مقام دوم را هم برای این جایگاه به کار